



گفت‌وگو با مصطفی علیپور شاعر و استاد دانشگاه

رسانه‌ها و وزارت ارشاد برای حفظ زبان فارسی کم‌کاری کرده‌اند

۱۱ ورزش

فرصت طلایی برای فوتبال خراسان
تأیید مشهد برای
میزبانی فینال جام حذفی

پرونده‌ای برای نقل و انتقالات لژیونرهای ایرانی

از دحام پشت گیت خروجی



پایان رقابت‌های فوتبال در قسمت های مختلف دنیا، زمانی مناسب برای بررسی عملکرد بازیکنان لژیونر فوتبال ایران به شمار می‌رود؛ اینکه چطور و چگونه یک فصل زندگی حرفه‌ای خود را خاتمه داده‌اند، ستاره فصل گذشته باشگاه آلكمار در لیگ جزیره سال سختی را پشت سر گذاشت. او نه گل زد و نه پاس گل داد ولی تا تابستان سال ۲۰۲۳ با باشگاه برایتون قرارداد دارد. احتمال جدایی این بازیکن وجود دارد، اما با توجه به رقم انتقال ۱۷ میلیون پوندی‌اش، باشگاهی که قصد جذب او را داشته باشد، مبلغ بالایی برای دریافت رضایتنامه باید بپردازد...

یک هفته دیگر لیگ والیبال ملل آغاز می‌شود

پرواز مردان کلاکویچ به سراسر دنیا

مجاز آباد

روایت کاربران از مناطق سیل زده



تعدادی از فعالان فضای مجازی که برخی در این مناطق حضور داشتند با هشتگ #پس‌اسمیل شیرایط و اوضاع مردم مناطق سیل‌زده را روایت می‌کنند؛ نمونه‌ای از پیام‌های منتشر شده توسط این کاربران را می‌خوانید: «مستولینی که فرزندانشون توی آمریکا و کانادا در بهترین هوا و مکان تفریح می‌کنند، هیچ‌وقت درک نمی‌کنند که بچه چندماهه زیر یک پشه‌بند ساده توی این گرما چه زجری می‌کشد... با یکی از رفقای پزشک در مناطق سیل‌زده خوزستان گپ می‌زدیم، برای ویزیت به روستای هوفل آباد رفته بودند. بیشتر مردم به خاطر گردوخاک سال‌های اخیر اسم داشتند و حالا به خاطر آهک‌هایی که فله‌ای در کنار روستا ریخته شده دچار مشکل تنفسی بیشتری شدند».

روی مخ ترامپ!



سید عزت‌الله ضرغامی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و فضای مجازی با انتشار پستی در صفحه توئیتر خود تحلیل جالبی درباره دیدار رهبری با شعرا و اهالی فرهنگ و ادب به اشتراک گذاشت. ضرغامی در توئیتر نوشت: «جلسه شعرا با رهبر انقلاب روی مخ ترامپ بود! با وجود این همه رفتار تهدیدکننده و با هدف ایجاد نگرانی برای جمهوری اسلامی، مسئله شعر و ادبیات خبر برجسته رهبری نظام می‌شود. «آفرین»‌های او به شعرا و نه فرماندهان نظامی، تحلیل‌های او پیش‌بینی‌های آن‌ها را به هم می‌ریزد که چرا ایران از آن‌ها نمی‌ترسد؟»

ماجرای انگشتر هدیه



زهر جودکی از شاعران حاضر در دیدار با رهبری روایت جالبی از این دیدار در صفحه اینستاگرامش منتشر کرده است. جودکی نوشته است: «گفتم: پدرم سلام رسوندن، خیلی شمارو دوست دارن. با مهربانی و گرمی تمام گفتند: سلامشان برسوند. گفتم: می‌شه به یادگاری بدین ببرم براشون؟ گفتند: الان که نمی‌شه، یکی اگر بدم، باید صدا تا بدم.» (او خندیدند) گفتم: هروقت شش...و بلند شدم که نوبت به بقیه هم برسد... بلافاصله یک انگشتر بهم هدیه دادند و دوربین‌ها فقط همان یک تکه صحبت رهبر را دیدند».

اختیارات فاجعه‌بار



علی قلچک، فعال فضای مجازی درواکنش به صحبت‌های رئیس جمهور مبنی بر نداشتن اختیارات لازم برای خروج از بحران‌های کنونی کشور در توئیتر نوشت: «در اوج بالا رفتن قیمت دلار و سکه در بهار ۱۸،۹۷ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی و ۶۰۰ تولا با سوم‌مدیریت، حیف و میل شد! می‌بینید آقای روحانی؟ اختیارات ویژه گاهی فاجعه می‌آفریند که تبعاتش سال‌ها دامنگیر ملت خواهد بود».

در مورد دلایل علمی فرسایش زبان فارسی چه می‌دانید؟

«فارسی» در غل و زنجیر



پخشیه ۲ خرداد ۱۳۹۸
۱۷ رمضان ۱۴۴۰
شماره ۱۴۴۰
شماره ۱۴۴۰
ZENDAGHI@QUDSONLINE.IR

تصویر نگار: مصطفی شایعی کاشکی

دیگر مقصران از زوایای دیگری یعنی نگاهی هم به نظرات متخصصان و زبان‌شناسان در این زمینه ببیند. زبان‌شناسانی که خیلی‌هاشان می‌گویند فرسایش تدریجی زبان فارسی در کنار کم‌کاری نهادهای مسئول و اشتیاق ما به استفاده از اصطلاحات و ترکیب‌های خارجی، دلایل دیگری هم دارد.

مقوله دیگر رفت. به زبان ساده یعنی اینکه زبایی و پویایی زبانی بیشتر است که در آن بتوان از اسم یا صفت، فعل‌های بیشتری ساخت یا برعکس از اسم و فعل، صفت‌های بیشتری ساخت. امروزه در زبان فارسی اما کمتر این اتفاق می‌افتد و در بیشتر مواقع پویایی آن، در ساخت مشتق از فعل‌ها و مصدرهای ساده خلاصه می‌شود. به طور مثال از فعل «موند» می‌شود ده‌ها مشتق مختلف ساخت. مشتق‌هایی با کاربردها و معانی مختلف که بسیاری از ابعاد زندگی ما را دربر گرفته و از این طریق از ورود اصطلاحات خارجی به زبان فارسی جلوگیری می‌کنند. همین عامل به تنهایی می‌تواند از فرسایش زبان فارسی جلوگیری کند، اما مشکلاتی در این مسیر وجود دارد که این اجازه را نمی‌دهد.

فرسایش زبان فارسی جلوگیری کند، اما مشکلاتی در این مسیر وجود دارد که این اجازه را نمی‌دهد. نخست اینکه بسیاری از فعل‌ها و مصدرهای ساده، امروز تبدیل به مصدرها و فعل‌های مرکب شده‌اند که این مصدرها و فعل‌های مرکب برخلاف نوع ساده‌شان، قابلیت مشتق‌سازی ندارند. مثلاً مصدر «فریفتن» تبدیل به «فریب دادن» شده است. در نتیجه مشتقی برای آن وجود ندارد و مشتق‌هایی مثل «فریفتگی»، «فریب» و «فریبا» هم بازمانده‌هایی از مشتق‌های «فریفتن» هستند. همچنین مصدرها و فعل‌های ساده‌ای که امروزه در حال از بین رفتن هستند، جایگزینی نخواهند داشت، چون برخلاف زبان انگلیسی، فرانسوی، عربی و... که در آن‌ها از اسم و صفت، فعل و مصدر ساده و در نهایت مشتق ساخته می‌شود، در زبان فارسی چنین امکانی وجود ندارد یا بهتر بگوییم

محمد تربت‌زاده در یکی دو روزی که گذشت و پس از سخنان رهبر انقلاب درباره «فرسایش زبان» خیلی‌ها از کم‌کاری صداوسیما و دیگران در این ماجرا نوشتند. خیلی‌ها هم از اهالی موسیقی و ترانه‌سرایان گلایه کردند. حالا بگذارید چند سطر هم ما بنویسیم. اینکه زبان فارسی رو به فرسایش است، درست. اینکه صداوسیما، ترانه‌سرایان و حتی خودمان در این ماجرا مقصریم هم قبول! اما پس از اینکه تمام کاسه کوزه‌ها را بر سر خودمان و

مرحوم «محمدامین ریاحی» در ابتدای کتاب «فردوسی» آورده است: «در پاییز سال ۱۳۷۳، وزارت فرهنگ فرانسه زبان فارسی را از برنامه درسی و امتحانات دبیرستان‌های آن کشور حذف کرد. شبی از یکی از رادیوهای اروپایی صدای دختری ایرانی را شنیدیم که با شور و هیجان از فردوسی و شاهنامه یاد می‌کرد. او در صاحبه با گوینده رادیو ضمن دلایل اعتراض خود به اقدام دولت فرانسه، می‌گفت: هیچ یک از ملت‌های اروپایی آثار ادبی ۲۰۰ سال پیش خود را نمی‌فهمند و در آمختن آن‌ها دشواری‌ها می‌کنند، ولی زبان فردوسی و زبان شاهنامه را ایرانیان امروز دختر ایرانی که در روزنامه‌های فرانسه هم انعکاس یافت بر دل‌ها نشست و همت ایران‌شناسان دانشمند ایران دوست و فشار افکار عمومی سبب شد که دولت فرانسه از تصمیم نابجای خود منصرف شود». دکتر امین ریاحی دلیل اینکه امروزه تمام ایرانیان «شاهنامه» را می‌فهمند، این دو را نکته ذکر می‌کند: یکی اینکه نسل‌های مختلف ایرانیان در طول این ۱۰۰۰ سال، به صورت مداوم «شاهنامه» را خوانده‌اند و این کتاب در ذهن ما زنده است و نکته دیگر اینکه فردوسی «شاهنامه» را به زبان ساده اما درستی نوشته است. یعنی فردوسی اصراری به استفاده از کلمات قلمبه سلمیه نداشته و از ساده‌ترین ترکیب‌های زبانی برای بیان منظورش استفاده کرده است. تا اینجا کار مشکل از ماست که برخلاف فردوسی، دوست داریم کلمات دهن پرکن را استفاده کنیم و چون خیلی وقت‌ها این کلمات را پید نمی‌کنیم، دست به دامن اصطلاحات خارجی می‌شویم و به این طریق فرسایش زبان مادری‌مان را رقم می‌زنیم. اما از آن طرف مواردی هم وجود دارد که اصطلاحات و کلمات جدید، معادل درست و درمان فارسی ندارند.

دقیقاً همین جاست که زبان‌شناس‌ها می‌گویند زبان فارسی باید متناسب با نیازهای جدید به روز شود، اما چون خیلی‌ها به اشتباه اصرار بر حفظ شکل سنتی و اسطوره‌ای زبان فارسی دارند از ویژگی زاینده‌گی زبان غافل شده و ساخت ترکیب‌ها، افعال و مشتقات جدید را جایز نمی‌دانند. بنابراین زبانمان پویایی همیشگی‌اش را از دست داده و دیگر کفاف مکالمات روزمره را نمی‌دهد و مردم هم به ناچار از اصطلاحات من درآوردی یا جایگزین‌های خارجی استفاده می‌کنند.

مشکل کجاست؟

زبان‌شناس‌ها می‌گویند اگر بخواهیم به میزان زبایی یک زبان پی ببریم و احتمالاً آن را با زبایی زبان‌های دیگر مقایسه کنیم، باید بینیم در آن زبان با چه درجه از سهولت می‌توان از یک مقوله دستوری به

روزمره نگاری

رقیه توسلی

کتاب بازی

در وبلاگی می‌خوانم: «... فکر کنید به یک بازی عجیب دعوت شده‌اید. دوستان شما را به کتابخانه‌اش می‌برد. باید آنجا چشم‌هایتان را ببندید و از بین انبوه کتاب‌های داخل قفسه تصادفی یکی را بردارید، باز کنید و نخستین جمله‌ای که به چشمتان می‌خورد را بلند بخوانید و بعد فکری که از ذهنتان می‌گذرد را بگویید».

خانه را ورنه از آنجا می‌کنم. الحمدلله گوش تا گوش، آدم سر در تلویزیون و سر در موبایل یاقم می‌شود. فکر صاف کرده و ماجرای وبلاگ و کتابخانه و... را برای جمع می‌گویم. متأسفانه با بازخورد افتضاحی روبه‌رو می‌شوم! از تک و تا نمی‌افتم اما... دسر لذیذ «مشکافی» را که می‌آورم، دو نفر به صورت معجزه‌آسایی اعلام آمادگی کرده و می‌افتند توی تور. برای بقیه هم از گزینه‌های تهدید، ارباب، خواهرش و تمنا استفاده می‌کنم و همگی راه می‌فتم سمت کتابخانه...

«خواهری» نخستین شرکت کننده است. چشم‌هایش را می‌بندد و باز می‌کند. «کیوت‌تر توی کوزه» را صید کرده است. می‌خواند: «آدم عاقل وقتی می‌فهمد که از غم خوردن کاری ساخته نیست می‌زند زیر خنده». با چند تانیه مکث و خجالت جمع می‌گوید: والا... با عرض شرمندگی... یاد کلاگی دندان‌دار شدن «آبان» افتادم که یک شب به خدا گفتم آخر سُر زار نفتم من؟ «فریده» نفر بعدی است. چشم‌های بسته‌اش کتاب «پروژه شادی» را برمی‌دارد. از کتاب روخوانی می‌کند: «وقت آن رسیده که از خودم بیشتر انتظار داشته باشم». انگشتش می‌برد لای موهای فرفری‌اش و رو به جمع که انگار بازی برایشان جدی‌تر و خواستنی‌تر شده، می‌گوید: واقعاً هیچی... جز اینکه اسم کتاب روی مخم.

سومین داوطلب، خودم هستم. «فرزندان قایل» می‌افتد به من. چشمم این جمله را می‌بندد: «تمی‌دانم چرا حرف زدن را هم ممنوع می‌کند». فقط «نادیا مراد» است که می‌آید به ذهنم و خط به خط دردهایی که بعد از پردگی داشم در کتابش آورد.

نفر چهارم، پسر خاله است و بازی به شکل پر کششی تا یازدهمین شرکت کننده ادامه پیدا می‌کند. دقیق نمی‌شوم اما به گمانم وقت رفتن از اتاق، همه از لحظه ورودشان، متفکرترند چون رشوهای به نام «مشکافی» اصلاً در یاد کسی نمانند!

پیش از خاموش کردن کلید برق لحظه‌ای درنگ می‌کنم به تشکر از آدم‌هایی که توی خونشان، ایده‌های فشنک و زیرپوستی است. مثل همین وبلاگ‌نویس باهوش که نشان داد چه جور شیک و مجلسی پای آن یار مهربان سفر کرده را می‌شود دوباره باز کرد به خاتمان. «اسم قایل»، «پانتومیم» و «گل یا پوچ» به جای خود، اما واقعاً چه اشکالی دارد اگر گاهی وسط وقت‌گذرانی‌های تکراری، پای چهار تا کتاب و نویسنده غیر تکراری هم کشیده شود به دنیایمان؟





یادداشت

annotation@qudsonline.ir
آرش شفاعی

گزارشگران ورزشی را

به کلاس آموزش زبان فارسی بفرستید

امروز در خبرها آمده بود، رئیس سازمان صداوسیما در دستوری ویژه وظایف جدیدی برای شورای تخصصی مجریان و دفتر موسیقی و سرود به‌منظور نظارت دقیق‌تر در صیانت از زبان فارسی اصیل، مشخص کرد. علی‌عسکری پس از ابراز گلایه رهبر انقلاب از صداوسیما در دیدار اخیر با شاعران و اهل قلم درخصوص بی‌توجهی رسانه ملی، دستوری جدید صادر کرده و با یادآوری ابلاغیه چند ماه پیش خود برای ارزیابی روزانه مجریان و برنامه‌های تلویزیونی از منظر رعایت زبان فارسی، دستور داده است شورای تخصصی مجریان باید بر مبنای گزارش‌هایی که از این ارزیابی بدست می‌آید، نظام تشویقی و تنبیهی دقیقی برای مجریان در این زمینه طراحی کند و به فوریت اجرا شود.

این اهتمام البته به جای خود خوب و قابل قدردانی است اما بهتر این بود که رسانه ملی و دست‌اندرکاران آن، اهمیت و حساسیت کار خود را در خصوص زبان و فرهنگ ملی کشور، خیلی پیش از این‌ها درک می‌کردند تا کار به جایی نرسد که رهبر انقلاب به این صراحت از کم‌کاری آن‌ها گلایه کنند.

حال که قرار است شورایی تخصصی تشکیل شود و به نظارت بر کار مجریان بپردازد، ضروری است سازوکارهایی هم اندیشیده شود که در آن سرنوشت دیگر شوراهای تخصصی کشور که با نیت حل‌وفصل مشکلات تشکیل این پس از چندی خود به مشکلی تازه تبدیل می‌شوند، تکرار نشود. در همین سازمان صداوسیما سال‌هاست شورای شعر و موسیقی سازمان با حضور چهره‌هایی از اهل ادب و هنر تشکیل شده است و بر اشعار و ترانه‌هایی که قرار است در صداوسیما پخش شود، نظر کارشناسی می‌دهد، اما در برابر دیده مسئولان سازمان صداوسیما تهیه‌کنندگان تلویزیونی خوانندگان کم‌سواد و فالش‌خوان را با شعرهای سست و بی‌سختی از مجریان پر طرفدار تلویزیون می‌آورند و شورای شعر و موسیقی را دور می‌زنند و کسی هم به آنان تذکر و احتیاری نمی‌دهد. به هر روی حال که قرار است عملکرد مجریان تلویزیونی بررسی فنی شود، پیشنهاد من این است که در نخستین و فوری‌ترین اقدام همه گزارشگران برنامه‌های ورزشی از جمله گزارشگران معروف برنامه‌های پخش فوتبال و نیز همه گزارشگرانی که بازی‌های فوتبال را در مراکز استانی صداوسیما گزارش می‌کنند، به صورت فشرده و تا زمانی که بازی‌های لیگ آغاز نشده است، به کلاس آموزش زبان فارسی فرستاده شوند و شرط ادامه کار آنان این باشد که از این کلاس نمره بالایی بگیرند. شاید بگویید این گزارشگران همه فارسی‌زبان هستند و نیازی به آموختن زبان مادری خود ندارند، اما اشتباه می‌کنید! آنان نه فارسی بلدند و نه فارسی حرف می‌زنند. آنان به زبانی حرف می‌زنند که نحو و دستور آن براساس زبان انگلیسی است، اصطلاحات ترجمه شده و گره‌برداری شده در این زبان فراوان است و از میان هر ۱۰ واژه‌ای که بر زبان آنان می‌آید به‌یقین نیمی انگلیسی است. اصلاً گویا گزارشگری که نتواند در یک جمله دست‌کم سه واژه بیگانه را بر زبان بیاورد، بی‌سواد و کم‌اطلاع محسوب می‌شود. گزارشگران برنامه‌های ورزشی دارای بیشترین مخاطبان، بخصوص در بین نسل جوان هستند، چراکه فوتبال همواره یکی از جذاب‌ترین برنامه‌های تلویزیونی است. عموم مردم و جوانان به مرور از این زبان من در آوردی و مجعول، تأثیر می‌پذیرند و این روند به مرور منجر به تخریب زبان فارسی خواهد شد. در همین چند سال، چندین واژه را همین گزارشگران به زبان مردم تزریق کرده‌اند که می‌شد به جایش معادل‌های فارسی زیبایی به کار برد، نه تنها واژه‌ها و اصطلاحاتی چون «کلین شیت»، «هت تریک»، «دبل»، «کام‌بک» مثل نقل و نبات بر زبان آنان جاری است، حتی درباره به کاربردن واژه‌های معادل مانند «شهرآورد» به‌جای «دربی» چنان مقاومت می‌کنند که گویا اگر خدای ناکرده یک گزارشگر فوتبال در یکی از شهرهای دورافتاده هم‌روزی کلمه بی کلاس فارسی را به جای کلمه باهفت و زیبایی انگلیسی به زبان آورد، بنیادهای فوتبال پاک، جوانمردانه و همیشه پیروز ما به لرزه درمی‌آید!

خبر

بهروز افخمی:

فیلم جدی در سینمای ایران کم ساخته می‌شود

ایرنا: بهروز افخمی، در نشست «سینما در گام دوم انقلاب اسلامی» با بیان اینکه تأثیرگذاری سینمای دنیا نسبت به ۴۰ سال پیش کمتر از نصف شده و مرز بین هنر سینما با مخاطب در حال کمرنگ‌تر شدن است، گفت: بخشی از فیلم‌های سینمایی دیگری برای پرده‌های بزرگ ساخته نمی‌شود، بلکه برای موبایل و فضای مجازی ساخته می‌شود. وی افزود: مردم آمریکا پیش از دهه ۵۰ میلادی، در دوره پیش از فراگیر شدن تلویزیون و زمانی که جمعیت آمریکا کمتر از ۱۵۰ میلیون نفر بود، به طور متوسط هفت‌ای سه مرتبه به سینما می‌رفتند. در آن سال‌ها در سینمای آمریکا بیش از ۴ میلیارد بلیت در سال فروخته می‌شد، اما اکنون در طول سال در سینمای این کشور تنها یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون بلیت به فروش می‌رسد و این یعنی اینکه هر آمریکایی به صورت متوسط در سال تنها سه بار به سینما می‌رود. این کارگردان سینما با اشاره به اینکه در حال حاضر در همه نقاط دنیا حدود ۸۰ درصد تماشاشچیان را کودکان و نوجوانان زیر ۲۵ سال تشکیل می‌دهند و سایر مخاطبان هم بیشتر برای دیدن کمدی به سینما می‌آیند، گفت: به نظر می‌رسد سینما از ابتدا تأثیر واقعی‌اش را روی کودکان می‌نذاشت، اما این موضوع درست تحلیل نشده بود. کودکان نسبت به گذشته، مخاطبان مهمی شده‌اند و مهم‌ترین و بارزترین تماشاشچیان ما کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال هستند.

این کارگردان سینما با تأکید بر اینکه سینما وقتی مؤثر می‌شود که با خودش صادق باشد، اظهار کرد: فیلم جدی کم در سینمای ایران ساخته می‌شود. برای ساخت فیلم جدی باید دلایل جدی داشته باشید. فیلم‌هایی که ژست جدی دارند ولی بی‌دلیل تماشاجی را ازآر می‌دهند از فیلم‌های کمدی هم فزاترند. مثلاً فیلم «فروشنده» اصغر فرهادی، فیلم جدی نیست، می‌خواهد بگوید اخلاق پیچیده است؛ بنابراین شرایطی مصنوعی را طراحی می‌کند که اگر در گوش کسی بزنی نامردی کردی، اگر نرنی بی‌غیرتی. در حالی که روندها و موقعیت‌های فیلم تا رسیدن به آن شرایط، تماماً ساختگی و غیرواقعی است. کارگردان فیلم داشته ژست مرد اخلاق را بگیرد ولی نتوانسته است؛ بنابراین چنین فیلمی، تبدیل به کمدی ناخواسته می‌شود. فرهادی در این فیلم می‌خواسته مردم ایران را نازحت و حتی تحقیر کند.

گفت‌وگو با مصطفی علیپور شاعر و استاد دانشگاه

رسانه‌ها و وزارت ارشاد برای حفظ زبان فارسی کم کاری کرده‌اند



برش

در فرانسسه هم سال‌ها پیش اقداماتی که بر ای حفظ و پاکسازی زبان فرانسسه انجام شده با الزام و اجبار حکومتی بوده است

به همین دلیل تأکید می‌کنم نهادهای مرتبط بیش از هر چیزی باید زیر تیغ الزام حفظ زبان و ادبیات فارسی بروند.

♦ **به دلیل نبود قانون کیی‌رایت و ترجمه‌های بی‌شمار، واژه‌های بیگانه بسرعت وارد زبان شده‌اند. در این شرایط چه باید کرد و واژه‌سازی‌ها باید چگونه انجام شود تا مورد قبول و استفاده مردم قرار بگیرد؟**

رهبر معظم هم تأکید کردند اگر از طریق ترجمه، واژه‌ای بیگانه مورد استفاده اقلیتی قرار می‌گیرد، گوینده رادیو و تلویزیون با آن مخاطب میلیونی آن را تکرار نکند تا واژه وارد بدنه زبان گفتاری مردم نشود. خوشبختانه زبان فارسی در مقایسه با زبان‌های بزرگ دنیا براحتی می‌تواند خودش را با تغییر و تحولات و شرایط اجتماعی و سیاسی دوره‌های مختلف، وفق دهد و این ظرفیت را هنوز هم دارد. کما اینکه فرهنگستان این واژه‌ها را تولید می‌کند و بسیاری از آن‌ها در جامعه هم مورد اقبال

قرار گرفته و حیات پیدا کرده‌اند. «پارانه» واژه‌ای است که براحتی به جای واژه «سوسید» استفاده می‌شود. این واژه، بومی و مردمی و بر پایه امکانات زبان فارسی ساخته شده است. البته واژه‌هایی هم هستند که معادل دارند اما معادل آن‌ها مورد توجه قرار نگرفته است. مثلاً واژه نامأنوس «سلبریتی» که من بتازگی توانستم این واژه را بدرستی تلفظ کنم، آن‌قدر در رسانه‌ها استفاده شده که به زبان روزمره مردم هم راه پیدا کرده است، در حالی که معادل فارسیی این واژه «چهره» است که حس و عاطفه و ابراحتی منتقل می‌کند، اما متأسفانه به‌آن بی‌توجهی و منزوی شده است.

♦ **به نظر شما به عنوان شاعر، منتقد ادبی و مدرس زبان و ادبیات فارسی بهترین راه حفظ و صیانت از زبان و ادبیات فارسی چیست؟**

من بهترین راه حفظ زبان فارسی را این می‌دانم که نهادهایی مانند وزارت ارشاد اسلامی، حوزه هنری، شوروی فرهنگ عمومی، شهرداری، آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و مراکز مرتبط به نوعی زیر تیغ الزام قرار بگیرند و با یک اجبار، موقعیت زبان را کنترل کنند تا ارزش‌های زبان فارسی حفظ شود. بخشی از مالیاتی که از مردم گرفته می‌شود به وزارت ارشاد تعلق می‌گیرد تا موظف باشد زبان و ادبیات فارسی را مصون نگه دارد و آن را حفظ کند. این وزارتخانه در قبال دریافت این پول تا به حال چه کرده است؟ زبان، فرهنگ، اندیشه‌ها و

آثار ادبی هنری باید توسط این نهاد ترویج داده شود، اما این نهاد به وظیفه‌اش عمل نمی‌کند. همان‌طور که گفتیم یکی از این بی‌توجهی‌ها چاپ کتاب‌های مبتذل است. ببینید ظرفیت زبان فارسی به گونه‌ای است که همه می‌توانند شعر بسرایند چون آهنگین و به قول سعدی «مسجع» است. آیا هر کس که می‌تواند شعر بسراید، می‌تواند شاعر و یا ترانه‌سرا هم باشد؟ در حالی‌که این ظرفیت زبان فارسی است که حتی در نثر و گفتار عادی این زبان هم موسیقی وجود دارد که به آن زسان کمی می‌گوییم. پس همه فارسی‌زبان‌ها در وزن عروضی و یا وزن موسیقی ایقاعی می‌توانند شعر بسرایند، اما ارشاد موظف نیست به هر کس که شعر سروده، مجوز انتشار کتابش را هم بدهد.

باید بخشی از نظارت بر چاپ کتاب‌ها به ظرفیت‌ها و ارزش‌های زبانی اثر اختصاص یابد؛ اینکه فلاّن مجموعه شعر چقدر می‌تواند زبان فارسی را توسعه دهد. شاعر باید چنین رسالتی برای خود قائل باشد؛ شاعر که فقط نباید رابطه حسی بین دو عاشق ایجاد کند. به هر حال این زبان است که می‌تواند عامل حفظ ملت‌ها در طول تاریخ باشد. حتی زان می‌تواند بخش قابل توجهی از باورهای دینی مردم را حفظ کند. بسیاری از آثار مذهبی دنیا به زبان فارسی است و بی‌تردید می‌شود گفت زبان فارسی زبان دوم اسلام است؛ از این منظر هم این زبان باید حفظ شود.

♦ **علاوه بر این شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه‌ای دارد که صاحبان شرکت‌ها و فروشگاه‌ها را ملزم می‌کند ازعناوین و اسامی ایرانی برای سر در مغازه و شرکت‌ها استفاده کنند، اما این مصوبات اجرا نمی‌شود. چه اتفاقی باید بیفتد تا این مصوبات الزام‌جرائی پیدا کنند؟**

من که مدرس زبان و ادبیات فارسی هستم وقتی نام مغازه‌ها و فروشگاه‌ها را می‌بینم، تعجب می‌کنم که چطور شرکت‌ها و فروشگاه‌ها عنوان خارجی دارند؛ عناوینی که حسی در ما ایجاد نمی‌کند. به هر حال زبان فارسی علاوه بر اینکه زبان علم، اندیشه، شعر و ادب است، زبان احساس هم هست؛ ما از این طریق با پیرامون پیوند عاطفی برقرار می‌کنیم. واژه‌های فارسی فقط معنا ندارند بلکه عاطفه، حس و روح دارند و این خیلی مهم است. اما هنوز متقدم مردم نباید این الزامات را اجرا کنند، مردم مقصر نیستند. مشکلی که چند دهه با سرعت و شتاب بر زبان فارسی ما تحمیل شده است شاید در چند ساعت قابل حل نباشد، اما حتماً از نقطه‌ای می‌توان برای اصلاح آن اقدام کرد. شاید به طور کلی بشود گفت دو مسئله تأمل بر مجوز آثار شاعران و مسائل شهری مانند توجه به عناوین فارسی شرکت‌ها و مغازه‌ها می‌تواند نقطه‌های شروع و تأثیرگذار خوبی برای پیرایش زبان فارسی و حفظ آن باشد.

آخر هفته با تلویزیون

دیدار دوباره با «روز سوم»

فیلم‌های آخر هفته رنگ خرمشهر می‌گیرد



شهریار بحرانی، فردا ساعت ۱۲:۳۰ از شبکه پنج پخش خواهند شد.

فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی «پری» به کارگردانی داریوش مهرجویی، «نیاز» به کارگردانی علیرضا داوودنژاد، «زمانی که دزد بودم»، «گمشده»، «دره تاریک»، «کیمیا» به کارگردانی احمدرضا درویش و «گزارش پلکان» امروز ساعت ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱ و ۲۲ از شبکه نمایش روی آنتن می‌روند.

روز جمعه هم فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی «نور آتش»، «پاییز سرافیم»، «کشتی یاماتو»، «عملیات قطب شمال»، «استشهادی برای خدا» به کارگردانی علیرضا امینی و «یتیمخانه ایران» به کارگردانی ابوالقاسم طبری ساعت ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۹ و ۲۱ از شبکه نمایش پخش می‌شود.

روابط عمومی سیما: فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی و انیمیشن‌های مختلفی امروز و فردا که مصادف با سالروز آزادسازی خرمشهر است، از شبکه‌های سیما روی آنتن می‌رود.فیلم تلویزیونی «خوش‌غیرت» به کارگردانی علی شاه حاتمى، فردا ساعت ۱۶ از شبکه یک سیما پخش خواهد شد.

همچنین فیلم سینمایی «بال‌های خوشبختی» به کارگردانی بهروز شعبانی، امروز ساعت ۸ صبح از شبکه دو سیما پخش می‌شود.

شبکه‌سه به مناسبت سالروز آزادی خرمشهر فیلم سینمایی خاطره‌انگیز «روز سوم» به کارگردانی محمدحسین لطیفی را امشب ساعت ۲۴ پخش می‌کند. یکی دیگر از فیلم‌هایی که به حمله‌سه خرمشهر پرداخته است، فیلم سینمایی «سرزمین خورشید» به کارگردانی احمدرضا درویش است که امشب ساعت ۲۰:۳۰ از شبکه چهار سیما روی آنتن می‌رود. خسرو شکیبایی، گلچهره ساجده، سعید پورصمیمی و محمود پاکیت از جمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

همچنین این شبکه فیلم سینمایی «حقیقت گمشده» به کارگردانی محمد احمدی را جمعه ۳ خرداد ساعت ۲۰:۳۰ روی آنتن می‌برد.

فیلم‌های سینمایی «گوی بخارا» به کارگردانی کاتسوهیرو اوئهنومو، فردا ساعت ۹ و «حمله به اچ» به کارگردانی

نداشت و بازپخش سریال پایتخت، چندین برابر مخاطب داشت.

آذین ادامه داد: مردم چیز دیگری می‌خواهند و تلویزیون کار دیگری می‌کند. این سبب ریزش مخاطب می‌شود و متأسفانه عملکرد بد تلویزیون موجب می‌شود مخاطبان تلویزیون از آن فاصله بگیرند که این به نفع شبکه‌های ماهواره‌ای است و جای تأسف دارد.

وی با تأکید بر اینکه رسانه ملی باید در راستای نیازها و مطالبات مردم برنامه بسازد و همان‌طور که مدعی عنوان ملی است، در عمل هم ملی و مردمی باشد، گفت: تلویزیون در سال‌های اخیر دچار ریزش مخاطب شده است و این ریزش علل متفاوتی دارد که در رأس آن‌ها، ضعف مدیریتی در صداوسیماست. ایسن منتقد یادآور شد: در سال‌های اخیر، تغییرات پی‌درپی مدیریتی در صداوسیما، جایه‌جایی مدیران زیرمجموعه‌های مختلف و رانده‌شدن بخشی از هنرمندان حرفه‌ای و برخی از همکاران تلویزیون که برای صداوسیما فیلم و سریال می‌ساختند و مدت‌هاست که طلب‌هایشان را از تلویزیون نگرفته‌اند و همچنین فرصت شبکه خانگی که سبب شده بخشی از هنرمندان توانایی و قابلیت‌های خودشان را به این سمت ببرند، زمینه‌ای را به وجود آورده که شاهد آثار خوب و برجسته‌ای در تلویزیون نباشیم.

انتقاد جبار آذین از تولیدات رمضانی تلویزیون

سریال‌های ماه مبارک پر از غم و اندوه است



فرهنگ و هنر- زهره کهندل: یک منتقد سینما و تلویزیون با بیان اینکه ماه مبارک رمضان، ماه خودسازی و پویایی است، گفت: در چند سال اخیر، تولیدات تلویزیون برای ماه رمضان به سمتی رفته که گویی در تلویزیون ماه محرم برپاست و بیشتر محتوای این سریال‌ها پر از غم و اندوه است.

جبار آذین در گفت‌وگو با خبرنگار ما افزود: تولید مجموعه‌های مناسبتی مدت‌هاست در تلویزیون متوقف شده است، درحالی‌که مخاطب نیاز به شادی دارد. این موجب می‌شود مخاطبان به ناچار تلویزیون را خاموش کنند یا سراغ ماهواره بروند.

وی اظهار داشت: در ماه مبارک رمضان سال گذشته دیدیم سه سریال تولیدی تلویزیون آنچنان مخاطبی

قدس آنلابسن/ صبا کریمی:

بازدیدکنندگان از غرفه هنری نمایشگاه قرآن، خلق و اجرای زنده آثار هنری همچون تذهیب، معرقکاری، خوشنویسی و نقاشی و... است که مردم را هم در لذت آفرینش‌های هنری سهم می‌کند. اسمال حدود ۱۵۲ هنرمند در بخش هنری نمایشگاه شرکت کرده‌اند و آثار هنرمندان درجه یک در ۱۴ رشته مختلف جمع‌آوری شده و در اختیار بازدیدکنندگان قرار گرفته است. یکی از ویژگی‌های بخش هنری نمایشگاه، حضور مداوم و مستمر بخش خوشنویسی و خط نگاره‌هایی با اسمااله‌ای است که اسما با حضور هنرمندانی که آثار جدید و مرتبط با حوزه قرآن و عترت دارند، متفاوت شده است. آیات قرآن کریم، نام‌های ائمه اطهار(ع) و اشعار مذهبی از جمله سوره‌های بابلوهای آویخته به دیوار در قالب‌های خوشنویسی، تذهیب و کالیگرافی است. در بخش دیگری از این غرفه تعدادی از آثار برگزیده جشنواره ملی آیات به نمایش درآمده است. همچنین بخش دیگر، نمایش آثار کاریکاتور است که در زمینه مسائل سیاسی روز و جهان اسلام و همچنین مبارزه با استکبار به تصویر درآمده است. کارگاه‌هایی



تعداد بازدیدکنندگان نمایشگاه قرآن با گالری‌های هنری قابل قیاس نیست. او در ادامه می‌افزاید: یکی از بخش‌های مورد علاقه من در نمایشگاه، خلق آثار هنری به صورت زنده و پیش روی مخاطب است. به نظر این اتفاق حس بسیار خوبی را به بیننده القا و لذت دیدن یک اثر هنری را دوچندان می‌کند. حتی برای شخصی مانند من که تا حدودی باخشنویسی آشنایی دارم، دیدن کار استادان و اهل فن و برگزاری کارگاه‌های هنری کمک می‌کند ایرادهایم را رفع کنم.